

پیشینه خط در ایران باستان

تاریخچه کتاب و کتابخانه های شاهنشاهی ایران

رکن الدین همایونفرخ

مدیرعامل کتابخانه های عمومی شهرداری تهران

خط فارسی؟ - خط عربی؟

چنانکه در صفحات پیش گفته شد، ایرانیها برای نجات فرهنگ و ادب و آثار مدون زبان فارسی از نابودی و فنا راه چاره ای جستند و این راه اختراع و ابداع خط تازه ای بود که با خط کوفی شباهت و نزدیکی داشت. کسانی که خط امروزی فارسی را مآخوذ از خط عربی میدانند هیچ مدرک و سندی در دست ندارند و بر خلاف آثار و شواهدی در دست است که میرساند واضعین خط امروز فارسی ایرانیها بوده اند و آنرا هم از یک خط دیرین ایرانی استخراج کرده اند.

اینک برای بحث در این نظریه لازم میدانم قبلاً یادآورد شود که ایرانیها بطن قوی خط میخی فارسی را هم خود ساخته بوده اند و با توجه به نبوغی که در ساختن و اختراع هفت گونه خط از خود نشان داده اند کاملاً منطقی بنظر میاید که خط فارسی کنونی را هم از یک خط ایرانی استخراج کرده باشند.

در فصل بیست و هفتم مینوی خرد و جلد اول شاهنامه فردوسی ضمن داستانهای اساطیری و افسانه ای شاهان ایران آمده است که تهمورث پس از تسلط بر دیوان به دیویند (اسیر کننده دیو) نام آور شد. دیوانی را که گرفتار کرده بود خواست بکشد. آنها از تهمورث خواستند که جانشان را ببخشد و آنها در برابر باو هنر نویسندگی را بیاموزند. تهمورث آنان را امان داد و ایشان به شاه هفت خط آموختند.

محققان بیگانه نظر داده اند که مقصود از «دیو» ها «آرامی» ها هستند. و میگویند ایرانیها بیگانگان را **دیو** میخوانده اند. لیکن با نکاتی که یادآور میشود میتوان نظر دیگری را پذیرفت. اینک توجه خوانندگان گرامی را به چند نکته در این باره جلب میکنم.

- ۱- در کتابخانه ای که بنوشته ابن الندیم در سارویه جی یافته شد نوشته ای یافتند که بنیاد کتابخانه را به تهمورث منسوب میداشت.
- ۲- میدانیم که بزرگان تپورستان (مازندران) خود را دیو (بزرگ) میخواندند و بگفته فردوسی مازندران جایگاه دیوان و مقر فرمانروایی دیو سپید بوده است.
- ۳- نزدیکی واژه «دی پی» با «دیو» که بمعنی نوشته در سنگ نبشته های داریوش آمده است.
- ۴- نزدیکی واژه دی پی - با تی پورستان.
- ۵- کشف مهره های استوانه ای منقوش بخطوط ابتدایی و علایمی میخی در مارلیک (تپورستان).

از مجموع نکاتی که یاد کردیم این ظن بسیار قوت میگیرد که خط میخی ایرانی پیدایشش در مازندران بوده و بمرور راه تکامل پیموده است. بنابراین واضعین آنهم ایرانی و آریایی بوده اند نه آرامی. در استخراج و اختراع خطوط دیگر ایرانی که نام آنها را قبلاً یاد کردیم بوسیله خود ایرانیها بحثی در میان نیست. اینک تحقیق ما درباره خط فارسی کنونی.

خط فارسی

درباره چگونگی خط فارسی دری، کهن ترین مآخذی که از آن بحث میکند «الفهرست» است. ابن الندیم ضمن معرفی خطوطی که قرآن کریم را بدان مینوشتند از خط فارسی دری یاد میکند و از نظر اینکه گفته او برای ما سند و مدرک است ترجمه عین نوشته او را میاوریم و سپس نظر خود را اعلام میداریم.

«خطوطی که مصاحف را بدان مینوشتند: مکی، مدنین، التمیم، بصری، مشتق، تجاوید، سلواطی، مصنوع، حائل، راصف، سجلی، اصفهانی، فیرآموز که ایرانیان آنرا استخراج کرده و بدان خوانند (۱)».

نخست باید توجه داشت که خطوطی را که ابن الندیم از آنها نام می برد خطوطی است که در زمان او رایج بوده است، نه خطوطی که در آغاز اسلام و نزول قرآن وجود داشته است، بطوریکه خواهیم گفت، هنگامیکه اسلام اعلام شد، عرب خط نداشت و خطی که قرآن بدان ثبت میگردد خط مکی بود (۲).

طی قرن اول هجری بمرور خطوطی در قلمرو و حکومت اسلامی پدید آمد که ابن الندیم از آنها یاد میکند. عربها در آغاز، زبان خودشان را، با خطوط نبطی و سریانی مینوشته اند، و بهترین سند این مدعا سنگ نوشته گور امری القیس شاعر شهیر عرب در المناره است «واقع در حیره» که در سال ۳۲۸ میلادی تحریر و نقر شده است. همین سنگ نشان میدهد که عربها خط کوفی را بعدها از آن استخراج کرده اند.

ابن الندیم مینویسد: واضعین خط عربی سه نفر بوده اند بنامهای مرمر بن مره - اسلم بن سدره - عامر بن جدره از مردم شهر انبار (۳).

ابن الندیم این اطلاع خود را از گفته ابن عباس نقل کرده و اضافه میکند:

«این سه تن هر یک در تکمیل خط عربی کوشیده اند بدین ترتیب:

مرمر بن مره، صورت و شکل حروف را ساخت. اسلم بن سدره، فصل و وصل حروف را وضع کرد و عامر بن جدره، نقطه های آنرا بنیاد نهاد».

هم او مینویسد: «نخستین خط عربی خط مکی است، پس از آن خط مدنی و بعد خط بصری و سپس خط کوفی، اما مکی و مدنی در الف هایش کمی تمایل بطرف راست و بالای انگشتان و در شکل آن کمی خوابیدگی دارد. نخستین کسی که در صدر اسلام قرآن نوشت و در خوبی خط شهرت داشت خالد بن ابوهیاج بود، بعدها ابولاسود دولی (۴) نقطه گذاری آنرا تکمیل کرد، بشرین عبدالملک که در حیره بود، نخستین کسی است که خط را به مکه آورد و در آنجا سفیان بن بنی امیه، و ابوالقیس بن عبد مناف و عمر ابن الخطاب، و معاویه بن ابی سفیان خط آموختند، زید بن ثابت الانصاری از افراد معدودی است که در حجاز بخط آشنا بوده و از کاتبان وحی است (۵).»

خط عربی در آغاز بسیار نازیبا و ناقص بوده، مراحل کمال و زیبایی را بشرحی که خواهیم گفت بذوق و هنر ایرانیها پیموده است.

باین نکته باید توجه داشت، هنگامیکه سخن از اقلام و انواع و اقسام خطوط عربی میروند نباید موجب این توهم گردد که در خطوط عربی هم مانند خطوط ایرانی قبل از اسلام تنوع معلول اختلاف شکل و حروف بوده است، بلکه در خطوط عربی منظور از اقلام مختلف را باید در تفنن کاتبان در تند و ملایم و ریز و درشت نوشتن پاره ای از حروف و کشش و حرکات الف و کشیده یا مدور نوشتن آنها دانست نه تغییر شکل و کم و بیش بودن حروف، بنابراین کلیه اقلام عربی را که در حدود سی قلم ذکر میکنند همه از یک ریشه و یکصورت استخراج شده است.

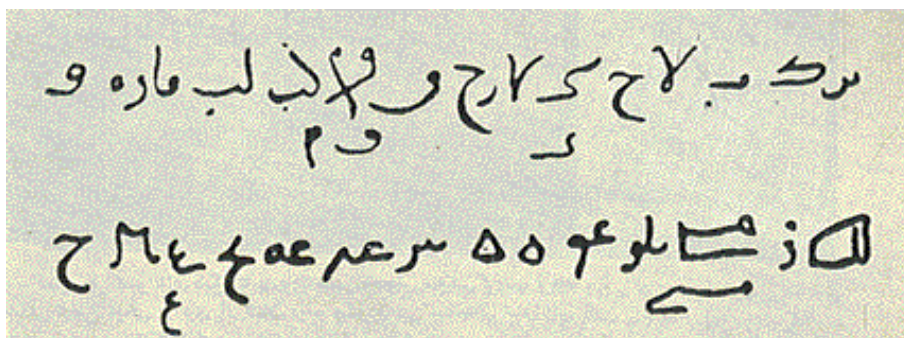
برمکیان ایرانی به زیبا کردن خط عربی بسیار کمک کردند و خوشنویسان را معزز و مکرم میداشتند، ابن درستویه فارسی که درباره نویسندگان خط، کتابی بنام الکتاب دارد (۶) توجه ایرانیان را به تکمیل خط عربی نشان میدهد.

محمد بن علی فارسی، معروف به ابن مقله ایرانی که وزیر المقتدر بالله خلیفه عباسی بود و در سال ۳۲۸ هـ. بدستور او شهید شد از جمله خوشنویسانی است که در زیبا ساختن خط عربی کوششی بسزا کرده است و اوست که هنر زیبانویسی خط عربی را پایه گذاشت، پس از او زیبانویسی در خط عربی از هنرهای ظریفه گردید و مورد توجه قرار گرفت و هنرمندان را بر آن داشت که طی قرون بعد در آن را مجاهدت و کوشش کنند.

محققان خط شناس میگویند: «اوست که اقلام «ششگانه» - محقق - ریحان - ثلث - نسخ - توقیع - رقاع - را از خط کوفی استخراج و اقتباس کرده است. بنابراین واضع و مخترع خط نسخ را هم که امروز خط متداول زبان عرب است باید ایرانی بدانیم.»

چنانکه گذشت ابن الندیم میگوید: «از جمله خطوطی که قرآن را بدان مینوشته اند یکی هم خط پیرآموز بوده است (ابن الندیم به تبعیت زبان عرب فیرآموز ثبت کرده است) که ایرانیها آنرا را استخراج کرده بوده اند (۷). ابن الندیم دیگر نمیگوید که: ایرانیها پیرآموز را از چه خطی استخراج کرده بوده اند، بنابراین سکوت او را در این باره نباید بدان گرفت که قصد او استخراج از خط عربی بوده است !!

و نکته قابل ذکر که باید در اینجا بدان اشاره شود گفته ابن الندیم است که درباره خط **مانی**. در الفهرست مینویسد «خط منانی (مانی) از **فارسی** و سوریانی (سریانی) استخراج شده و مخترع آن مانی است». میدانیم که مانی در آغاز سلسله ساسانیان ظهور کرد و چند صد سال قبل از اسلام می زیسته و اینکه خطش را از خط «فارسی» استخراج کرده بوده است نکته ایست قابل تامل اگر بگوییم مقصود ابن ندیم از خط فارسی خط پهلوی ساسانی است گمان می رود صحیح نگفته باشیم زیرا ابن الندیم خطوط ایرانیها را یکایک بنام برشمرده و بدان آشنا بوده پس میتوان پنداشت که منظور خطی بوده است فارسیان بدان قرآن هم مینوشته اند و همان خط پیرآموز است و بهترین دلیل توجه به نمونه خطی است که ابن الندیم از خط مانی بدست داده (عکس شماره ۳) و در این خط حروف **ب. ح. ر. و. ه. ک. م. ع. ا.** بصورت خط پیرآموز دیده میشود. در این باره ضمن بخش مکتب مانی باز هم سخن خواهیم گفت.



۳- خط مانی «مانوی». کتابهای مانوی ها با این خط نوشته می شده است و این خط مأخوذ از خط راس سهریه بوده و خط پیرآموز هم از راس سهریه استخراج شده بوده است، در این خط نقطه بکار میرفته و خط کوفی نقطه نداشته است

پیرآموز را فرهنگ ها «سهل و آسان» معنی کرده اند لکن آنندراج آنرا پیرآموز ثبت و معنی کرده است «علمی که کسی در زمان پیری بیاموزد» و این معنی کاملاً صحیح است و انتخاب نام پیرآموز هم در اصل به همین قصد و نظر بوده است که این خط تازه (فارسی) بدان پایه ساده و آسان است که پیران هم میتوانند آنرا فراگیرند و معنی سهل و آسان معنی استعاری و مجازی آنست.

نام پیرآموز یا پیرآموز اصالت این نظر را تایید میکند که **خط پیرآموز** گذشته از اینکه واضعان و مخترعان آن ایرانی بوده اند در اصل هم از یک خط ایرانی استخراج شده بوده است. این خط را بظن قریب به یقین ایرانیها از خطوط هفتگانه خود استخراج کرده بودند. بنظر اینجانب از خط «**راس سهریه**» که نقطه دار بوده و شباهت به خط مانی دارد استخراج کرده اند زیرا شباهت آن بخط «سامیتک» بیشتر بوده است و در ترکیب بخشودن به حروف آن کوشیده اند که شباهتی به خطوط مکی و کوفی داشته باشد تا موجب عناد و لجاج حکام عرب نگردد و تعصب آنان را علیه این خط برنیاورند.

آنچه محققان خط شناس معترفند ترکیب و گردش حروف خط تعلیق کاملاً مأخذ از خطوط پهلوی و اوستایی است «ایرانیها در خط تعلیق خود از شکل **پهلوی** و **اوستایی** الهام گرفته اند و در وضع آن تحت تاثیر اشکال آنها بوده اند. بخصوص در خط شکسته و شکسته تعلیق این مشابهت و نزدیکی کاملاً روشن و محسوس است (۸)». «

بنظر نویسنده **خط پیرآموز** پایه و اساس خط **تعلیق** است و کهن ترین (در حال حاضر) نمونه ای که از آن در دست است قبالة زمینی است که **مارگولیوت** خاورشناس آنرا متعلق به سده چهارصد هجری میداند لیکن گروهی دیگر معتقدند که قدمت آن بمراتب بیشتر است.

از خطوط تعلیق به اول قرن ششم و هفتم نمونه های متعددی در دست است و با توجه بآنها میتوان سیر تکامل و تطور خط تعلیق را دریافت. در پایان این مقاله چند نمونه از خط کهن فارسی را بنظر خوانندگان ارجمند میرسانم.

آشنایی **ابن مقله ایرانی** با خط پیرآموز اساس و پایه وضع خط **نسخ** - **ریحان** - **ثلث** - **رقاع** وسیله او گردید و اینکه امروز شباهت تام و کاملی در میان خط نسخ و تعلیق می بینیم بدن مناسبت است که ابن مقله خط نسخ و ثلث و ریحان را تابع شکل و حرکات و دوایر خط پیرآموز قرار داد.

ایرانیها از همان قرن اول هجری برای تثبیت و رواج خط پیرآموز بنویشتن قرآنها با آن خط پرداختند تا عربها نتوانند آن خط را هم چون از عرب نبود خط زندقه بخوانند و بنامند.

خط اصفهانی شیوه دیگر از خط پیرآموز بوده است و چون اصفهان در اوان حکومت عرب در ایران مرکزیت داشت بنام خط اصفهانی نامیده و خوانده شد.

در خطوط تعلیق قرون اول اسلامی کاملاً حرکات و گردشهای حروف شباهت به خط پهلوی داشته است و این شباهت را در خطوط کتابهای قابوس نامه و ذخیره خوارزمشاهی کاملاً می بینیم. هم چنین خط نسخ عربی در قرون اول اسلامی کاملاً شباهت به خط تعلیق دارد و برای نمونه چند اثر از این خطوط را در اینجا گردآور می کنیم.

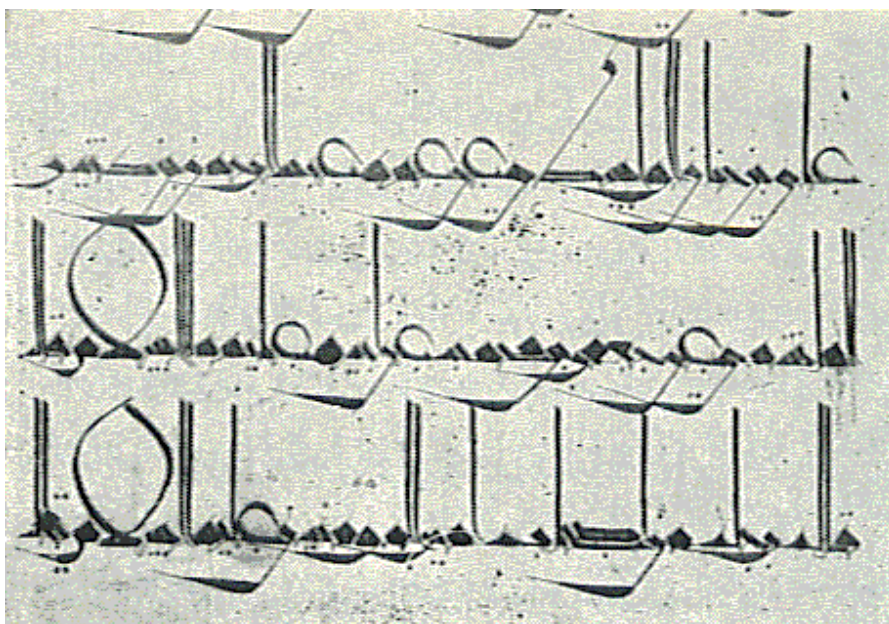
با نظر و دید تحقیقی بهیچوجه نمیتوان پذیرفت که خط فارسی دری پیرآموز مآخوذ از خط کوفی بوده است و این اشتباه رایج در اثر عدم اطلاع و با تعصب متعصبان بوده است و بس. چنانکه خواهیم دید خط پیرآموز فارسی بعدها وسیله هنرمندان ایرانی راه تکامل و جمال را تا سرحد اعجاز پیمود و در زمره یکی از برجسته ترین هنرهای زیبای ایران درآمد. در قرون هفتم و هشتم و نهم این خط وسیله خوشنویسان ناموری از جمله: تاج الدین اصفهانی - عبدالحق استرآبادی - بیانی کرمانی - شاه محمود نیشابوری - خواه عبدالله مروارید - خواجه اختیار الدین منشی - نجم الدین مسعود ساوه ای مراحل زیبایی و کمال را طی کرد.

میرعلی تبریزی در اوایل قرن هشتم با تلفیق نسخ و تعلیق پایه و اساس خط نستعلیق را گذاشت و سپس اظهر تبریزی و جعفر تبریزی (معروف به یایسنغری) و سلطانعلی مشهدی - محمد نور - سلطان محمد خندان - میرعلی هروی - میرعلی تبریزی (ثانی) - میرعماد قزوینی - علیرضا عباسی آنها را زیبایی بجایی رسانیدند که موجب اعجاب و شگفتی بینندگان شد.

پس از میرعماد و علیرضای عباسی خوشنویسان خط نستعلیق بر پایه ای که استادان خط نهاده بودند بسیارند و اگر بخواهیم بذکر نامشان پردازیم از حوصله این مقال بیرون است.

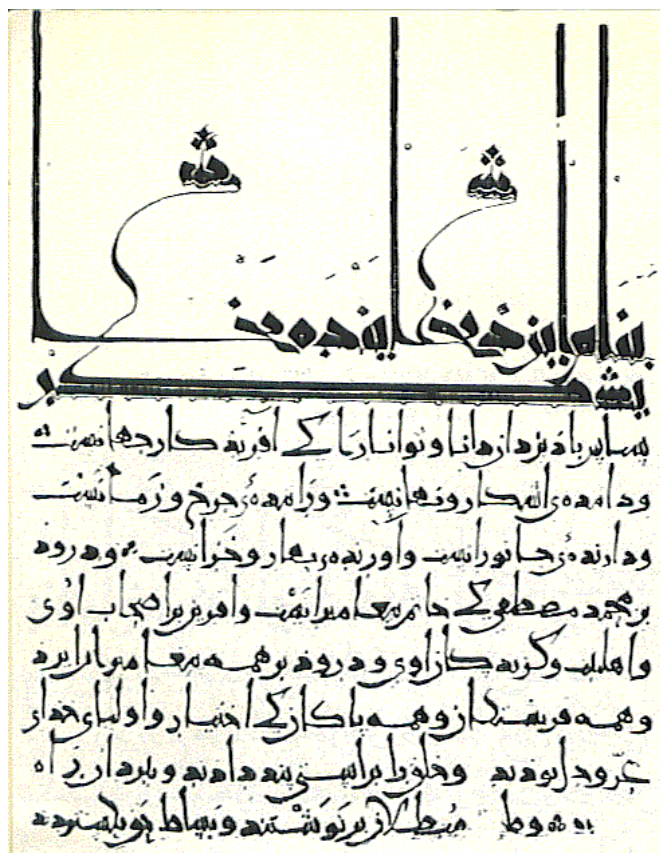
برای آنکه چگونگی تحول و تطور و تکامل خط پیرآموز را بخط فارسی امروز دریابیم بجاست به نمونه های از خطوط نویسندگان ایرانی که تاریخ تحریر آنها از قرن چهارم هجری به بعد است در اینجا ارائه میشوند توجه کنیم. لازم به یادآوری است که بحث ما درباره خط فارسی است و آنچه مورد نظر است خطی است که ایرانیان بدان می نوشته اند نه مطالب آن.

کهن ترین خطی که از خطاطان ایرانی در دسترس نویسنده قرار گرفته نسخه ایست از کتاب صفات الشیعه تصنیف دانشمند عالیمقام شیخ صدوق (ابن بابویه) که آنرا بسال ۳۶۰ هـ. تألیف کرده (۹) و نصر بن عبدالله القزوینی آنرا بسال ۳۹۱ نوشته است (عکس شماره ۴) این خط با شیوه تزئینی نگاشته شده و نموداری از خط پیرآموز است و از مشخصات آن اینکه حروف را مجزی نوشته و سپس با یک خط نازک آنها را به یکدیگر متصل ساخته اند.



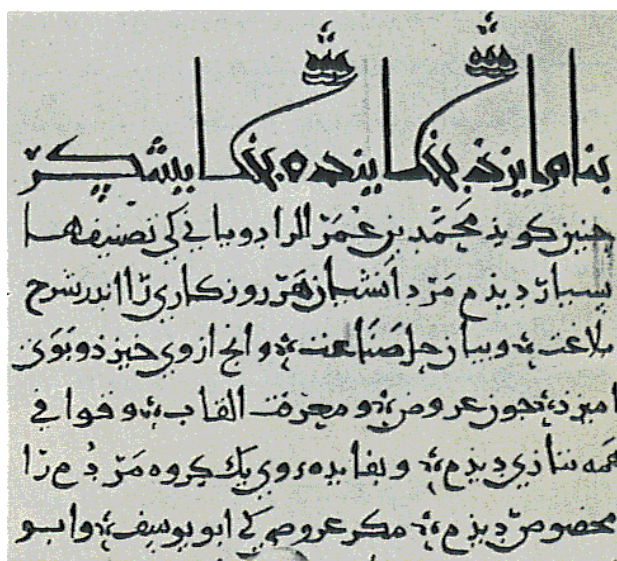
۴- خط پیرآموز - صفحه ایست از کتاب صفات السیعه که بسال ۳۹۱ بخط نصر بن عبدالله قزوینی نوشته شده است.

عکس شماره ۵ صفحه اول کتاب الابنیه عن حقایق الادویه تالیف ابومنصور هروی بخط اسدی طوسی شاعر است که بسال ۴۴۷ هـ. کتابت کرده است (۱۰). در مقایسه نمونه ۴ با نمونه ۵ و توجه بشیوه خط آن و چگونگی تحول و تکامل خطی را که نصر بن عبدالله قزوینی در سال ۳۹۱ نوشته است طی مدت ۵۶ سال درمی یابیم عنوان عکس شماره ۵ خط تغییر یافته پیرآموز است و متن خط تعلیق ابتدایی است که همان تکامل یافته پیرآموز باشد.



۵- صفحه اول کتاب الابنیه بخط اسدی شاعر که در ۴۴۷ هجری نوشته شده است.

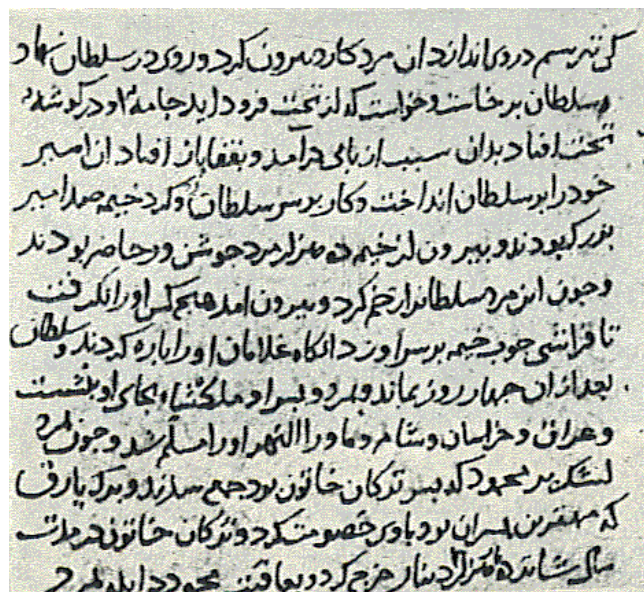
عکس شماره ۶ از کتاب ترجمان البلاغه تالیف محمد بن عمر رادویانی است که بسال ۵۰۷ هـ. بقلم ابوالهیجا دیلمسپار شاعر نوشته شده است و فاصله تحریر آن با کتاب الابنیه ۶۰ سال میشود و تحول خط را طی مدت شصت سال نموداری مبین است. بخصوص سرآغاز کتاب جمله « بنام ایزد بخشاینده بخشایشگر » که در هر دو بیک شیوه و روش و قلم است خط متن ترجمان البلاغه چگونگی پیدایش خط تعلیق نخستین را نشان میدهد.



۶- صفحه اول کتاب ترجمان البلاغه که بسال ۵۰۷ هجری تحریر یافته است.

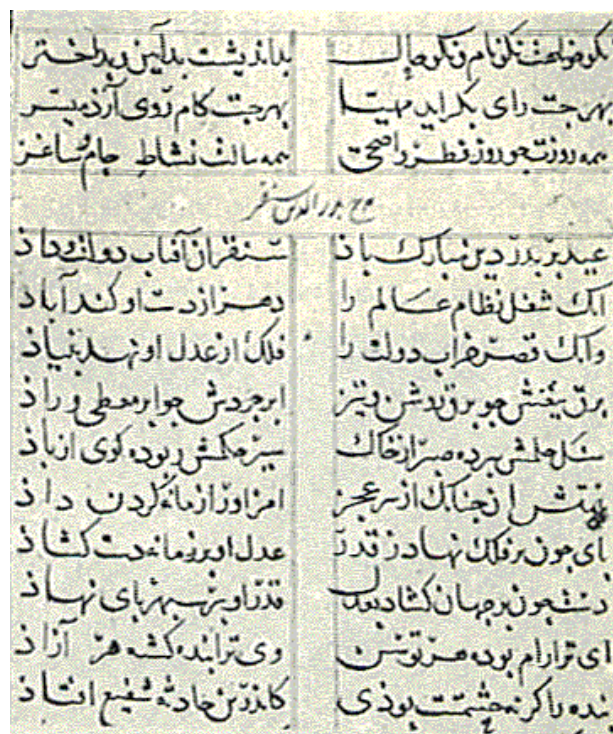
خط تعلیق زینتی که بعدها بوسیله خواجه تاج الدین بصورت خط هنری درآمد و از آن شکسته استخراج گردید مأخوذ از خط تعلیقی است که در قرنهای پنجم و ششم رایج بوده است.

عکس شماره ۷ صفحه ایست از کتاب جامع العلوم (جوامع العلوم؟) تألیف امام فخرالدین محمد بن عمر الرازی متوفی ۶۰۶ هجری که آنرا بنام سلطان علاءالدین تکش تألیف کرد. و تاریخ تحریر کتاب ۶۱۱ هجری است. این نمونه نشان میدهد که با گذشت ۱۰۴ سال از زمان تحریر ترجمان البلاغه در شیوه و قلم خط فارسی چه تحولی بوجود آمده.



۷- صفحه ای از کتاب جامع العلوم امام فخر رازی که در ۶۱۱ هجری تحریر یافته است

عکس شماره ۸ صفحه ایست از دیوان انوری که بسال ۶۸۰ تحریر یافته و با نمونه شماره ۷، ۶۹ سال فاصله زمانی دارد نشان دهنده تکامل و گرایش خط بطرف شیوه تعلیق کامل است.



۸- از دیوان انوری که بسال ۶۸۰ هجری نوشته شده است.

خط تعلیق ایرانی شباهت کامل به خط نسخ دارد و چنانکه قبلاً یادآور شدیم خط نسخ ساخته و پرداخته ابن مقبله ایرانی بوده است و مستخرج از خط پیرآموز و تعلیق شده با خط کوفی است.

عکس شماره ۹ صفحه ایست از کتاب سرالمکتوم تالیف فخر رازی که در ۶۱۶ هجری تحریر یافته و نمونه ایست از شیوه تعلیق در اوایل قرن هفتم. همچنین عکسهای شماره ۱۰ - ۱۱ - ۱۲. (۱۱)

واظعه و اما بعد الحمد لله رب العالمین و الصلوة والسلام علی سیدنا محمد و آله الطاهرین
 و السلام بعد ایام انتانت که ما بچشم بزرگ و منتظر است از طایفه و پس میبای این عمل
 بانی و بعد الکما در سبقت هفتم میباید گردن از نوز که نام آن سبقت یا فون است و وقت
 هیچ کس نباشد که حاجتی طلب کنند که البته آن حاجت را شنیده و بران حق تعالی
 و از این باب بخیر است تا شریک و دیگر خواص بسیار دارد و یقیناً پسند و وفادار
 بکین و نه و نیک دارد تا درین سبقت قضا میگردید یا شد و نه و اما بعد و السلام

۹- صفحه ای از کتاب سرالمکتوم تالیف امام فخر رازی که بسال ۶۱۶ نوشته شده است.

باشد در سوال و جواب و میان اخراج بندگان باشد از امر نبوت و شنیدن انبیا
 صلوات الله علیه و آن قوم کی این کار فوض کردند و تو ظم کردند
 بر تو و نفس خوش کی تو اهل این هستی
 باب بیست و چهارم
 در جواب کافران امیر المؤمنین صلوات الله علیه چاهینوار الخ از
 انور کسر رسد و او و محمد اهل مجلس وی از انجیل و مختبر شد
 ستمار رضی الله عنه که با خون خنجر و رخ و خواری و مذلت دیدیم کی مذلت
 قوم و دین محمد صلی الله علیه و آله برخاستم و غی که اینستم کی با کجای می هم تا بدر خانه
 امیر المؤمنین علیه السلام در بزمه روز آمد کفای ستمار چه نود است نور انهم

۱۰- صفحه ای از نزهت الکرام که در ۶۵۰ هجری نوشته شده است.

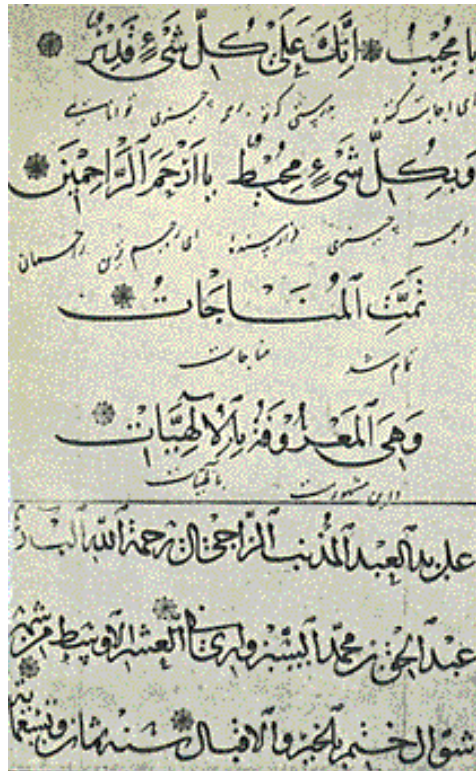


۱۱- صفحه ای از ذخیره خوراز مشاهی که برای کتابخانه محمد بن پهلوان بن طاهر تحریر یافته است.



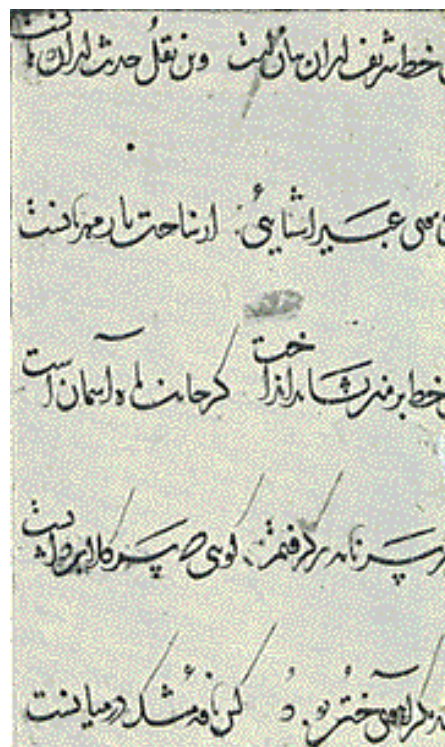
۱۲- صفحه ای از کتاب زیج ایلخانی که در سال ۶۷۶ نوشته شده است

برای اینکه اختلاف خط نسخ را با تعلیق ایرانی دریابیم عکس شماره ۱۳ را باید مورد توجه قرار داد. پیش از اینکه تعلیق کامل یا تعلیق تزئینی بوجود آید خطی رایج گردید که از تعلیق رفیع و تعلیق ساخته و وضع شده بود مانند عکس شماره ۱۴ لیکن این شیوه دیری نپایید.



۱۳ - خطوط نسخ - نستعلیق - و سه سطر پایین قطعه خط تعلیق

در عکس شماره ۱۳ که بقلم عبدالحق بن سبزواری است سه گونه خط تحریر یافته است. در قسمت بالای قطعه خط نسخ است و نستعلیق و سه سطر پایین قطعه خط توقیع است (خط توقیع سه دانگ رو و سه دانگ سطح است).



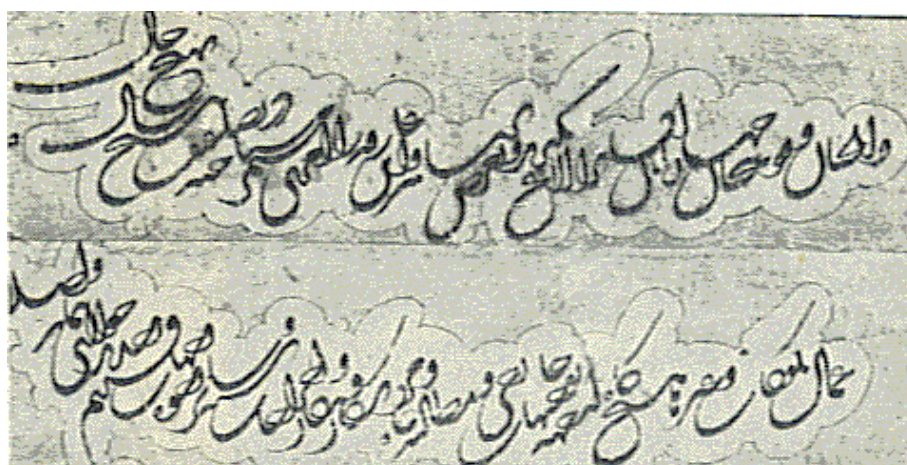
۱۴ - خط تعلیق و رقاع

عکس شماره ۱۵ نمونه ایست از خطوط رقاع و ثلث و نسخ بخط خطاط معروف مقصود تبریزی عکس شماره ۱۶ خط تعلیق بخط خواجه تاج الدین واضع خط تعلیق تزیینی است و عکس ۱۷ خط شکسته است بخط عبدالمجید درویش عکس شماره ۱۸

خط نستعلیق اثر قلم میرعلی هروی و عکس شماره ۱۹ نستعلیق بخط علیرضا عباسی است. اینها نمونه ای بود از خطوط مشاهیر خوشنویسان ایران که در این مجموعه از نظر خوانندگان ارجمند میگذرد.



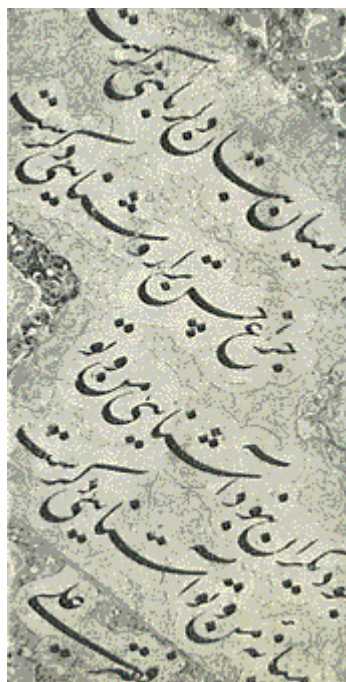
۱۵- خطوط - رقاع - ثلث - نسخ - بقلم - منصور تبریزی



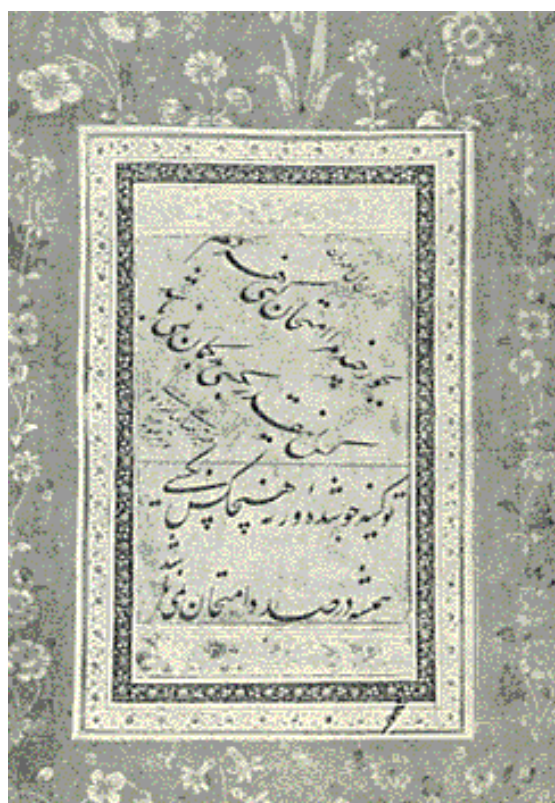
۱۶- خط تعلیق تزیینی و یا تحریری و دیوانی بقلم خواجه تاج الدین منشی واضع خط تعلیق تزیینی



۱۷- خط شکسته بقلم درویش عبدالمجید



۱۸- نستعلیق بقلم میر علی



۱۹- نستعلیق بقلم علیرضا عباسی

تحقیق درباره چگونگی خط فارسی در این تاریخچه از آن رهگذر است که بدانیم کتابهای فارسی را پس از حمله عرب با چه خطی می نوشته اند و چگونه بار دیگر دانشمندان ایرانی به ثبت و ضبط افکار و آثار خود توفیق یافته اند و در نتیجه کتابها و کتابخانه ها بوجود آمدند.

تاریخ خط و کاغذ و تجلید - صحافی - تذهیب - تشعیر، نقاشی با تاریخ و سرگذشت کتاب در ایران همراه و توأم است و بناچار باید از سیر تحول و تطور و تکامل این هنرها نیز در این تاریخچه سخنی بطور اختصار و ایجاز گفت و در فصل آینده درباره این هنرها نیز مختصر اشاره ای خواهیم کرد.

بن مایه ها:

- (۱) الفهرست برگ ۱۱
- (۲) درباره خط مکی سخن خواهیم گفت.
- (۳) شهری بوده است نزدیک بغداد، القلقشندی در صبح الاعشی نیز همین نظر را تایید میکند.
- (۴) درگذشته بسال ۴۵ هـ.
- (۵) درگذشته بسال ۶۹ هـ.
- (۶) درگذشته بسال ۳۳۶ هـ.
- (۷) در نقل از الفهرست در بعضی از ماخذ دیده شده که متاسفانه فیرآموز را قیرآموز نوشته نقل کرده و خود در معنی آن حیران مانده اند !!
- (۸) از نظرات دانشمند ارجمند آقای دکتر مهدی بیانی
- (۹) عکس های شماره ۴ و ۹ الی ۲۰ از مجموعه نفیس و گرانقدر آقای فخرالدین نصیری عکسبرداری شده است و عکسهای شماره ۷ و ۸ از کتابهای متعلق بکتابخانه نویسنده است.
- (۱۰) استاد مجتبی مینوی در ترکیه تفسیری مشاهده کرده اند که تاریخ تحریر آن بر نسخه کتاب الابنیه قدمت دارد هم چنین هدایة المتعلمین تالیف ربیع اخوینی که سال تحریر آن ۴۷۸ بوده است متاسفانه نمونه هایی از این دو کتاب را در دست نداریم.
- (۱۱) شماره ۱۰ از کتاب نزهت الکرام و دبستان العلوم تالیف محمد بن الحسن الرازی و شماره ۱۱ از ذخیره خوارزمشاهی است که برای کتابخانه محمد بن پهلوان این ابی طاهر نوشته شده و کتابها متعلق به کتابخانه نفیس آقای فخرالدین نصیری است. و شماره ۱۲ از کتاب زیج ایلخانی که بخط محمد بن احمد خجندی در سال ۶۷۶ تحریر یافته.

گردآورنده:
شاهین کاویانی



<https://derafsh-kavivani.com/>
<https://the-derafsh-kavivani.com/>